فضائل الشیعة

علی علیه السلام

تالیف : شیخ صدوق

ترجمه و تصحیح : دکتر امیر توحیدی

انتشارات زراره

بسم الله الرحمن الرحیم

فضائل الشیعه

نویسنده:

محمد بن علی بن بابویه شیخ صدوق

ناشر چاپی:

زراره

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فضائل الشیعه

مشخصات کتاب

سرشناسه : ابن بابویه، محمدبن علی، ق ۳۸۱ - ۳۱۱

عنوان قراردادی : [فضائل الشیعه. فارسی - عربی]

عنوان و نام پدیدآور : فضائل الشیعه/ تالیف شیخ صدوق؛ ترجمه و تصحیح امیر توحیدی

مشخصات نشر : تهران: زراره، ۱۳۷۹.

مشخصات ظاهری : ص ۱۰۵

شابک : ۹۶۴-۹۱۶۴۳-۸-۰۰۳۵۵۰ریال

یادداشت : چاپ دوم: ۱۳۷۹؛ ۵۵۰۰ ریال

یادداشت : چاپ سوم: ۱۳۸۰؛ ۵۵۰۰ ریال

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس

عنوان دیگر : فضائل الشیعه. فارسی - عربی

موضوع : احادیث اخلاقی

موضوع : اخلاق اسلامی

موضوع : احادیث شیعه -- قرن ق ۴

شناسه افزوده : توحیدی، امیر، مترجم و مصحح

رده بندی کنگره : BP۲۴۸ /الف ۲ف ۶۰۴۱ ۱۳۷۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۲

شماره کتابشناسی ملی : م ۷۹-۳۲۹۸

تقریظ استاد ارجمند و محقق فاضل جناب آقای علی اکبر غفاری

بسمه تعالى اينجانب متن و ترجمه اين اثر شريف را با كمال دقت مطالعه كردم، متن آن را از نظر تصحيح و اعراب گذارى، دقيق و ترجمه را از جهت صحت رعايت قواعد ادبى و روانىِ الفاظ كاملا درست و با دقّت يافتم.

خداوند به عامل آن آقاى امير توحيدى- ابقاه اللّه تعالى- جزاى خير دهد و او را براى احياى آثار مذهبى توفيق عنايت فرمايد.

على اكبر غفارى

[پيشگفتار]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

و صلّى اللَّه على محمّد و آله الطّيّبين الطّاهرين و لعنه اللَّه على اعدائهم اجمعين خداوند سبحان و ذوات مقدّسه محمّد و آل محمّد عليهم السّلام را بى حدّ و حصر شاكر و سپاسگزارم كه اين حقير عاصى را بار ديگر مورد لطف و مرحمت خويش قرار دادند تا اثر ديگرى از آثار ماندگار و گرانقدر عالمى فقيه و محدّثى جليل القدر از تبار بزرگان شيعه، يعنى «شيخ صدوق» رحمه اللَّه عليه را تصحيح و ترجمه نمايم و به ايتام آل محمّد تقديم دارم.

به يقين، اگر عنايات، الطاف و مراحم خاصّه حضرت بقيه اللَّه الاعظم «روحى و ارواح العالمين لتراب مقدّمه الفداء» نبود، هرگز چنين توفيقى نصيب اين كمترين نمى شد، ولى از آنجا كه آن سرور انام و امام همام «كريم من اولاد الكرام» و مظهر اتمّ و اكمل «يا من بابه مفتوح للطّالبين» «۱» است، اين بار نيز فتح باب رحمت فرمود و بار عام داد تا اين عبد عارم «۲» به مصداق وَ كَلْبُهُمْ باسِطٌ ذِراعَيْهِ بِالْوَصِيدِ «۳» (كهف- ۱۸) بتواند سر ارادت بر آستان

---

(۱)- بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۳۹۴

(۲)- بد اخلاق

(۳)- و سگ اصحاب كهف، دستهايش را بر دهانه غار

گشوده بود.

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۲

ملک پاسبانش بساید و با «بضاعه مزجاه» به ساحت مقدّسش عرض ارادتی بنماید و ران ملخی نزد سلیمان ببرد.

به راستی در این زمانه آکنده از محنت و بلا- که هر کس رو به سویی نهاده و دل به بت عربده جویی سپرده است و بازار تحریف حقایق اصیل دین رونق و رواج روز افزونی دارد و علمای واقعی دین، مکتوم «۱» و مکعوم «۲» و ملجم «۳» هستند و جاهلان عالم نما، مکرم. معروف، منکر می نماید و منکر، معروف و در نزد مردمش به تعبیر امیر مؤمنان علی علیه السّلام:

«لیس عند اهل ذلک الزّمان سلعه أبور من الکتاب اذا تلی حقّ تلاوته، و لا انفق منه اذا حرّف عن مواضعه» «۴» در نزد مردم آن زمان، کالایی کسادتر از قرآن نخواهد بود اگر آن را آن گونه که حقّ آن است تلاوت نمایند، و اگر معنی کلماتش را تغییر داده و تحریف نمایند، کالایی پر رونق تر از آن [نزد آنها] وجود نخواهد داشت.

جز اعانت، لطف، کرم، بنده نوازی و ... ارباب کرم (محمّد و آل محمّد صلوات اللّه و سلام علیهم) چه چیزی دیگری حرکت در سبیل و صراط آل رسول علیهم السّلام را مقدور و میسور می سازد و آدمی را از شرّ شیاطین جنّی و انسی، در حصن حصین ولایت علوی، از خطرات مصون و محفوظ می دارد؟ این سخن در واقع بشارتی است از جانب وجود نازنین حضرت بقیه اللّه الاعظم،

---

(۱)- پنهان، دهان بسته، دم فرو بسته.

(۲)- پنهان، دهان بسته، دم فرو بسته.

(۳)- پنهان، دهان بسته، دم فرو بسته.

(۴)- نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۳

حجّه ابن

الحسن العسکریّ «عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف» که در توقیع شریفش خطاب به شیخ مفید فرمود:

«انّا غیر مهملین لمراعاتکم و لا ناسین لذکرکم، و لولا ذلک لنزل بکم اللّأواء و اصطلمکم الاعداء» «۱» همانا، ما از رعایت حال شما کوتاهی نمی کنیم و شما را از یاد نمی بریم، چه، در غیر این صورت، سختیها و گرفتاریها بر شما فرو می آید و دشمنان شما را ریشه کن کرده و از بین می برند.

بار الها، تو را با تمام وجود و از صمیم قلب، حامد و شاکرم که پذیرش فرمایشات درر بار این امرای کلام را بر قلب ما سهل و آسان فرمودی و ما را آن گونه قرار دادی که کوله بار رجاء خویش را بر آستان این «شموس طالعه» و «بدور منیره» دراندازیم و رحل اقامت جانهای خسته خویش را بر فناء «۲» این «انجم ظاهره» و «شهب ثاقبه» بیفکنیم و با تمام وجود مصدّق سخن باقر علوم انبیا و کاشف سرّ اوصیاء علیه السّلام باشیم که به «سلمه بن کهیل و حکم بن عتیبه» فرمود:

«شرّقا و غرّبا لن تجدا علما صحیحا الّا شیئا یخرج من عندنا اهل البیت» «۳» [اگر] به شرق و غرب عالم [هم] بروید، هرگز به علم صحیح و درستی [در دین] دست نمی یابید، مگر آن علمی که از نزد ما آل محمّد بیرون می آید.

---

(۱)- احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۸

(۲)- درگاه

(۳)- بحار الانوار، ج ۲، ص ۹۲، ح ۲۰

و همچنین کلام نورانی آن حضرت را بپذیریم که فرمود:

«کلّ شی ء لم یخرج من هذا البیت فهو باطل» «۱» هر چیزی (علمی) که از این خانه (بیت محمّد و آل

محمّد) بیرون نیامده، باطل است.

آری این امور، از جمله عواملی بود که باعث شد جویای اثری باشیم که مصداق «کلامکم نور» و «فِيهِ شِفاءٌ لِلنَّاسِ» باشد و بتواند مخاطبین واقعی خویش را حیاتی دوباره بخشد و یاد «کلامک تحیی قلوبنا» را در اذهان و افکار دوستداران اهل بیت علیهم السّلام زنده بدارد. لذا کتاب «فضائل الشیعه» را در ادامه کتاب «صفات الشیعه» برگزیدیم تا با تصحیح، اعراب و ترجمه آن، گامی هر چند کوتاه، در این مسیر برداریم. ولی در عین حال، مشغله های فراوان مانع از این توفیق بود تا اینکه سرانجام، صدیق ارجمند، جناب آقای «سیّد علی مدنی» که به حقّ یکی از ارادتمندان واقعی به مکتب اهل بیت علیهم السّلام است، به اینجانب پیشنهاد فرمود تا به این مهم بپردازم.

از پیشنهاد ایشان به گرمی استقبال نمودم و برای نیل به این مقصود، مصمّم شدم نسخه های خطی این کتاب را تهیه کرده تا در چاپ جدید، اغلاط فراوانی را که در سند، متن و ترجمه دو کتاب مذکور «۲» وجود داشت، در حدّ توان خویش برطرف نمایم. لذا سه نسخه خطی آن را از

---

(۱)- بصائر الدرجات، ص ۵۱۱، ح ۲۱

(۲)- منظور کتاب «فضائل الشیعه» و «صفات الشیعه» است که ظاهرا برای نخستین بار توسط فاضل ارجمند، جناب آقای حسین فشاهی با مقدمه بسیار خوبی از ایشان در سال ۱۳۴۲ به فارسی ترجمه شده و در ایران به زیور طبع درآمده است.

کتابخانه مجلس «۱»، کتابخانه دانشگاه تهران «۲» و کتابخانه آقای مرعشی «۳» تهیه کرده و با استفاده از نسخه چاپی آن، به این امر مبادرت ورزیدم و در

این مسیر، تمام روایاتی را که مرحوم علّامه مجلسی در کتاب «بحار الانوار» از کتاب «صفات الشیعه» و «فضائل الشیعه» شیخ صدوق رحمه اللّه علیه آورده بود، با نسخه های مذکور مطابقت نمودم تا بدین طریق، هم از نسخ متعدّدی که در اختیار علّامه مجلسی بوده بهره مند شویم، و هم از نظرات و بیانات این مرد فرزانه و کم نظیر در ذیل این احادیث توشه ای برگیریم.

بعد از اتمام کار، کتاب را به استاد ارجمند و محقّق فاضل، جناب آقای علی اکبر غفّاری، که به حقّ یکی از احیاگران آثار اهل بیت علیهم السّلام در زمان ما هستند، تقدیم داشتم تا اگر هنوز اشتباهاتی در آن به جا مانده است، اصلاح فرمایند. جناب استاد نیز قبول زحمت فرموده و اصلاحات و نظراتشان را مرقوم داشتند که عینا منعکس گردید.

در خاتمه، از تمام اخوان مؤمنینی که به نوعی در تسهیل و تیسیر این صعب، با کمال صفا و صمیمیّت، بنده را اعانت فرمودند، تشکّر و قدردانی می کنم و اجر و پاداش همگان را از ولی نعمتمان، حضرت ولیّ عصر علیه السّلام عاجزانه مسألت می نمایم و به محضر مبارکش عرضه می دارم:

---

(۱)- نسخه خطی کتابخانه مجلس، در این کتاب با رمز (ن- م) مشخص شده است.

(۲)- نسخه خطی کتابخانه دانشگاه تهران، در این کتاب با رمز (ن- د) مشخص شده است.

(۳)- نسخه خطّی کتابخانه آقای مرعشی، در این کتاب با رمز (ن- مر) مشخص شده است.

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۶

یا أَیُّهَا الْعَزِیزُ مَسَّنا وَ أَهْلَنَا الضُّرُّ وَ جِئْنا بِبِضاعَهٍ مُزْجاهٍ فَأَوْفِ لَنَا الْکَیْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَیْنا إِنَّ اللَّهَ یَجْزِی الْمُتَصَدِّقِینَ (یوسف- ۸۸) «ای عزیز، ما با همه اهل

بیت خود، به فقر و قحطی و بیچارگی گرفتارشـده ایم و با متاعی ناچیز و بی قـدر، به حضور تو آمده ایم، پس پیمانه های ما را پر کن و به مـا تصـدّق کن. به راستی که خداونـد، به صـدقه دهنـدگان، پاداش نیک عطا می کنـد.» وَ ما تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ العلیّ العظیم و صلّی اللَّه علی محمّد و آله الطّاهرین تهران- ۴/ ۵/ ۱۳۷۹ امیر توحیدی

مقدمه:

اشاره

محمّد بن علی بن حسـین بن بابویه قمّی، مشهور به «شیخ صدوق» در سال ۳۰۶ یا ۳۰۷ (ه. ق) در خاندان علم و تقوی در شـهر مذهبی قم، دیده به جهان گشود. پدر بزرگوارش، علیّ بن حسین بن بابویه قمی، از برجسته ترین علما و فقهای زمان خود بود. او در بـازار، دکّه ای کوچـک داشت و از طریـق کسب و تجـارت، در نهـایت زهـد و عفـاف، امرار معـاش می کرد. همچنین، ساعاتی از روز را در منزل، به تدریس و تبلیغ معالم دین و نقل روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السّلام می پرداخت.

جلالت شأن و منزلت این فقیه بزرگوار (علیّ بن حسـین) بدان پایه رسـید که امام حسن عسکری علیه السّلام، طی نامه ای او را با القابی چون «شیخی»، «معتمدی» و «فقیهی» مورد خطاب قرار داد.

چون این نـامه دارای مضـامین بسـیار بلنـدی است و در طی آن، نکـات دقیقی بیان شـده که آگاهی بر آن، برای سالکین سبیل ولایت کبرویه مرتضویه، ضروری است، لذا متن آن را عینا در اینجا نقل می نماییم:

نامه امام حسن عسکری علیه السّلام به علی بن بابویه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ و العـاقبه للمتّقین و الجنّه للموحّـدین و النّار للملحـدین و لاـ عـدوان إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ و لا اله الّا اللَّهُ أَحْسَنُ الْخالِقِينَ و الصّلوه علی خیر خلقه محمّد و عترته الطّاهرین.

امّـا بعـد اوصـیک یـا شـیخی و معتمـدی و فقیهی ابـا الحسن علیّ بن الحسـین بن بابویه القمیّ- وفّقک اللَّه لمرضاته و جعل من صلبـک اولاـدا صـالحین برحمته- بتقوی اللَّهِ وَ إِقامِ الصَّلاهِ وَ إِيتاءِ الزَّكاهِ فانّه لا تقبل الصّلاه من مانع الزّکاه و اوصـیک بمغفره الذّنب و کظم الغیظ و

صله الرّحم و مواساه الاخوان و السّعی فی حوائجهم فی العسر و الیسر و الحلم و التّفقّه فی الدّین و التّثبّت فی الامر و التّعاهد للقرآن و حسن الخلق و الامر بالمعروف و النّهی عن المنکر، فانّ اللّه عزّ و جلّ قال: لا خَیْرَ فِی کَثِیرٍ مِنْ نَجْواهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَهٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلاحٍ بَیْنَ النَّاسِ و اجتناب الفواحش کلّها و علیک بصلاه اللّیل فانّ النّبیّ صلّی اللّه علیه و آله و سلّم اوصی علیّا علیه السّلام فقال: یا علیّ علیک بصلاه اللّیل علیک بصلاه اللّیل علیک بصلاه اللّیل و من استخفّ بصلاه اللّیل فلیس منّا، فاعمل بوصیّتی و أمر شیعتی حتّی یعملوا علیه و علیک بالصّبر و انتظار الفرج فانّ النّبیّ صلّی الله علیه و آله و سلّم قال: افضل اعمال امّتی انتظار الفرج، و لا تزال شیعتنا فی حزن حتّی یظهر ولدی الّذی بشّر به النّبیّ صلّی اللّه علیه و آله و سلّم یملأ الارض قسط و عدلا کما ملئت ظلما و جورا. فاصبر یا شیخی یا ابا الحسن علیّ و أمر جمیع شیعتی بالصّبر فانّ الْأَرْضَ لِلَّهِ یُورِثُها مَنْ یَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَ الْعاقِبَهُ لِلْمُتَّقِینَ و

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۹

السّلام علیک و علی جمیع شیعتنا و رحمه اللّه و برکاته و صلّی اللّه علی محمّد و آله» «۱».

امام حسن عسکری علیه السّلام در این نامه، پس از حمد خدا و درود بر پیامبر و عترت طاهرینش می فرماید:

ای فقیه مورد اعتماد من، علی بن الحسین بن بابویه القمی، خداوند تو را به کارهای مورد رضایتش توفیق دهد و از نسل تو، اولاد صالح بیافریند. تو را وصیّت می کنم به

رعایت تقوی و برپاداشتن نماز و ادای زکات، زیرا کسی که زکات نپردازد، نمازش قبول نخواهد شد و نیز تو را سفارش می کنم به بخشایش گناه دیگران و خویشتن داری به هنگام خشم و غضب، ارتباط با خویشاوندان، تعاون و همکاری با برادران دینی و کوشش در رفع نیازهای آنها در تنگدستی و گشاده دستی، بردباری و کسب آگاهی و معرفت در دین. در کارها ثابت قدم و با قرآن هم پیمان باش، اخلاق خود را نیکو گردان و دیگران را به کارهای شایسته امر کن و از پلیدی ها باز دار، زیرا خداوند فرموده است: «در بسیاری از سخنان آهسته و در گوشی آنها، هیچ خیری نیست مگر اینکه ضمن آن، به صدقه یا کار نیک و یا اصلاح بین مردم امر نمایند» [و بطور کلّی] تو را سفارش می کنم به خودداری از تمام معاصی و گناهان.

نماز شب را ترک مکن، زیرا پیامبر اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم در وصیّت خود به

---

(۱)- «معادن الحکمه فی مکاتیب الائمّه»، تألیف علم الهدی محمد بن المحسن بن مرتضی الکاشانی، ج ۲، ص ۲۶۵، چاپ جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم.

علیّ علیه السّلام، سه مرتبه فرمود: «بر نماز شب مواظبت نما. هر کس نسبت به نماز شب بی اعتنا باشد، از ما نیست» پس ای علی بن الحسین، تو خود به سفارشات من عمل کن و شیعیان مرا نیز دستور ده تا عمل کنند و نیز تو را به صبر و پایداری و انتظار فرج توصیه می کنم، زیرا پیامبر اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: «بهترین کارهای امت من، انتظار فرج است»

شیعیان ما همواره در غم و انـدوه خواهنـد بود تا فرزندم ظهور کند، همان کسـی که پیامبر صـلّی اللَّه علیه و آله و سـلّم بشارت آمدنش را داده است، زمین را از عدل و داد پر می کند، همان گونه که از ظلم و سـتم پر شده است. پس بار دیگر ای علی بن بابویه، تو را به صبر و اسـتقامت توصـیه می کنم و تو نیز به همه شـیعیان و پیروان مرا به صبر و اسـتقامت فرمان بـده. «به راستی زمین از آن خداست و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد به ارث می دهد و عاقبت از آن پرهیزگاران است».

سلام و رحمت و برکت حقّ بر تو و بر همه شیعیان ما، درود خداوند بر محمّد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و آل او باد. «۱»

---

(۱)- این نامه را اکثر محقّقین و صاحبان تراجم نقل نموده انـد که از جمله آنها، می توان از علامه بحرانی در «لؤلؤه البحرین»، ص ۳۸۴، محقّق خوانسـاری در «روضـات الجنّات»، ج ۴، ص ۲۷۳، علامه مجلسـی در «بحار الانوار»، ج ۵۰، ص ۳۱۷ و ۳۱۸، محدّث نوری در «مستدرک الوسائل»، ج ۳، ص ۵۲۷، قاضی نور اللَّه شوشتری در «مجالس المؤمنین»، ج ۱، ص ۴۵۳، محدّث قمی در «فوائد الرضویه»، ص ۲۸۱، و علامه شیخ محمّد تقی تستری در «قاموس الرّجال»، ج ۶، ص ۴۷۴، نام برد.

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۱۱

چگونگی ولادت

عمر با برکت علیّ بن حسـین بن بابویه از پنجاه می گـذشت و هنوز صاحب فرزنـدی نشـده بود، لذا نامه ای به محضـر مبارک حضرت ولیّ عصر علیه السّلام نوشت و از آن حضرت درخواست کرد

برایش دعا کند تا خداوند به او فرزندی صالح و فقیه مرحمت فرماید. ابو جعفر بن علیّ الاسود می گوید:

من نامه ابن بابویه را به حسین بن روح، سومین نایب خاصّ حضرت حجّت رساندم. پس از سه روز به من خبر داد که حضرت برای علی بن حسین بن بابویه دعا فرموده و «انّه سیولد له ولد مبارک ینفع اللّٰه به و بعده اولاد» به زودی خداوند به او فرزند مبارکی عطا می فرماید و به سبب او [به مردم] خیر می رساند و بعد از او (شیخ صدوق) نیز فرزندان دیگری به او (ابن بابویه) مرحمت می فرماید.

شیخ صدوق در یکی از کتابهایش به نام «کمال الدین»، ضمن نقل موضوع فوق، اضافه می کند که هر گاه ابو جعفر بن علیّ الاسود مرا می دید که برای طلب علم و دانش به محضر استاد می رفتم، به من می فرمود:

این علاقه و اشتیاق تو به علم، تعجّبی ندارد، زیرا تو به دعای امام زمان علیه السّلام متولّدشده ای. مرحوم علّامه مجلسی نیز در کتاب ارزشمند «بحار الانوار»، این قضیه را از معجزات حضرت ولیّ عصر علیه السّلام دانسته است. «۱»

---

(۱)- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۳۵ و ۳۳۶

دیدگاه دانشمندان اسلامی در مورد شیخ صدوق

همه علما و فقهای بزرگ اسلام، با دیده احترام و تعظیم به شیخ صدوق نگریسته اند و عدالت او را توثیق نموده و مقام شامخ علمی او را با عباراتی بلند تصدیق نموده اند. ما در اینجا اظهار نظر برخی از علمای بزرگ اسلام را یادآور می شویم:

۱- فقیه نامدار، شیخ طوسی در معرّفی شیخ صدوق می گوید:

«محمّد بن علیّ بن بابویه القمّی جلیل القدر یکنّی ابا جعفر کان جلیلا، حافظا للاحادیث، بصیرا

بالرّجال ناقدا للاخبار لم یر فی القمّیّین مثله فی حفظه و کثره علمه، له نحو من ثلاث مائه مصنّف».

او دانشمندی جلیل القدر و حافظ احادیث بود. از احوال رجال کاملا آگاه، و در سلسله احادیث، نقّادی عالی مقام به شمار می آمد و در میان علمای قم، از نظر حفظ احادیث و کثرت معلومات، مانند نداشت و در حدود سیصد اثر تألیفی از خود به یادگار گذاشت.

۲- رجالی کبیر نجاشی چنین می نویسد:

ابو جعفر (شیخ صدوق) ساکن ری، بزرگ ما و فقیه ما و چهره برجسته شیعه در خراسان است. به بغداد نیز وارد شد و با اینکه در سنّ جوانی بود، همه بزرگان شیعه (شیوخ الطائفه) از او استماع حدیث می کردند.

۳- سیّد بن طاوس می فرماید:

شیخ صدوق کسی است که همه بر علم و عدالت او اتفاق دارند.

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۱۳

۴- علّامه مجلسی در توصیف او چنین می گوید:

«من عظماء القدماء التّابعین لآثار الائمّه النّجباء الّذین لا یتّبعون الآراء و الاهواء و لذا ینزل اکثر اصحابنا کلامه و کلام ابیه (رضی اللّه عنهما) منزله النّصّ المنقول و الخبر المأثور» شیخ صدوق از بزرگترین علمای گذشته است و از جمله کسانی است که از احادیث امامان بزرگوار علیهم السّلام تبعیت می کنند، نه از پندارها و خواهشهای نفسانی. به همین دلیل است که اکثر علمای شیعه، کلام وی و پدرش را به منزله حدیث و روایات اهل بیت علیهم السّلام می دانند.

۵- علّامه سیّد هاشم بحرانی بعد از اشاره به عظمت شیخ می گوید:

جمعی از اصحاب ما، از جمله علامه در «مختلف»، شهید در «شرح الارشاد» و سیّد محقّق داماد، روایات مرسله صدوق را صحیح می دانند و به آنها

عمل می کنند، زیرا همان گونه که روایات مرسله ابن ابی عمیر پذیرفته شده، روایات مرسله صدوق هم مورد قبول واقع شده است.

۶- سیّد محمّد باقر خوانساری، صاحب روضات الجنّات نیز این چنین آورده است:

«شیخ العلم الامین، عماد الملّه و الدّین، رئیس المحدّثین، ابو جعفر الثّانی ... المشتهر بالشّیخ الصّدوق، امره فی العمل و العداله و الفهم و النّباله و الفقه و الجلاله و الثّقه و حسن الحاله و کثره التّصنیف وجوده التألیف و غیر ذلک من صفات البارعین و سمات الجامعین اوضح من ان یحتاج الی بیان او یفتقر الی تقریر القلم فی مثل هذا المکان».

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۱۴

شخصیت نامدار و مورد اعتماد، پایه و ستون دین، رئیس محدّثین، ابو جعفر دوم ...، مشهور به شیخ صدوق، در علم و عدالت و فهم مطالب و برجستگی شخصیت و فقاهت و جلالت قدر و وثوق و درست کرداری و تصانیف بسیار و حسن سلیقه ای که در تنظیم و تألیف آنها بکار برده و در آراستگی به همه صفاتی که زیبنده شخصیتهای نامی و صاحبان فضل و کمال است، بالاتر از آن است که نیازمند به بیان و گفتار یا محتاج به تقریر قلم و نوشتار باشد.

۷- و از همه محکمتر، کلام بلند و رسای علّامه بحر العلوم طباطبائی است که به شیواترین تعبیرات، حقّ مطلب را ادا کرده است. متن کلام سیّد بحر العلوم در تعریف شیخ صدوق، چنین است:

«شیخ مشایخ الشّیعه و رکن من ارکان الشّریعه رئیس المحدّثین و الصّدوق فیما یرویه عن الائمّه علیهم السّلام ولد بدعاء صاحب الامر صلوات اللَّه علیه و نال بذلک عظیم الفضل و الفخر وصفه الامام

علیه السّـلام فی التّوقیع الخـارج من نـاحیه المقـدّسه بـانّه فقیه، خیّر مبارک، ینفع اللّه به، فعمّت برکته الانام، و انتفع به الخاصّ و العـامّ و بقیت آثاره و مصـنّفاته مـدی الایّام و عمّ الانتقاع بفقهه و حـدیثه فقهاء الاصـحاب و من لا یحضـره الفقیه من العوامّ ...» شیخ صدوق، بزرگ بزرگان و اسـتاد راویان شـیعه و سـتونی از سـتونهای شـریعت اسلام و پیشوای محدّثین است و در آنچه از امامان شیعه علیهم السّلام نقل می کند، راست گفتار. او به دعای حضرت صاحب الامر علیه السّلام به دنیا آمد و همین فضیلت و افتخـار بزرگ او را بس کـه امـام عصـر علیـه السّـلام در نـامه مبـارکش، او را بـا کلمـاتی همچـون «فقیـه» (دانشـمند)، «خیّر» (نیکوکار)، «مبارک» (با برکت)، «ینفع اللّه به» (از جانب خداوند سود بخش) توصیف کرده است. از این

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۱۵

رو، خیر و برکت او، شامـل حـال مردم گردیـد و خواصّ و عوام، از او نفع بردنـد و کتابهای و تألیفاتش تا همیشه روزگار باقی است. از فقه و حدیثش، هم دانشمندان استفاده می کنند و هم عامّه مردم که دسترسی به فقها ندارند بهره می جویند.

تألیفات شیخ صدوق

شیـخ صـدوق، علاوه بر آثار متعدّدی که در زمینه های مختلف علوم اسـلامی از خود به جای گذاشت، با بیان معارف و معالم دین، فرهنگ غنی شـیعه را نیز هر چه بیشتر به جامعه معرفی نمود و در این راه، زحمات طاقت فرسایی را متحمّل گردیـد. او به راستی یکی از احیاگران علوم اهل بیت علیهم السّلام در تاریخ شیعه است.

شیخ طوسی فرموده: او (شیخ صدوق) سیصد کتاب تألیف کرده است و نجاشی حدود دویست کتاب

از کتابهای صدوق را نام می برد، ولی چون ذکر همه آنها خارج از حوصله این کتاب است، لذا در اینجا تنها نام تعدادی از آثار مشهور شیخ صدوق را یادآور می شویم:

- «کتاب من لا یحضره الفقیه»، این کتاب، یکی از کتب اربعه فقه شیعه به شمار می رود.

- «مدینه العلم»، این کتاب که به گفته شیخ طوسی بزرگتر از «کتاب من لا یحضره الفقیه» است، حدود ۴۰۰ سال پیش ناپدید گشته است.

- «عیون اخبار الرضا»، «کتاب التوحید»، «الخصال»، «الامالی»، «معانی الاخبار»، «علل الشرائع»، «کمال الدین و تمام النعمه» و ...

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۱۶

وفات شیخ صدوق

سرانجام این عالم بزرگوار، پس از گذشت هفتاد و چند سال از عمر شریف و پر برکتش در سال ۳۸۱ ه. ق دعوت حق را لبیک گفت و در شهر ری دیده از جهان فرو بست.

پیکر پاکش در میان غم و اندوه شیعیان در نزدیکی مرقد مطهّر حضرت عبد العظیم الحسنی مدفون گردید. آرامگاهش در این ایام به نام ابن بابویه در شهر ری مشهور و قبر منوّرش، زیارتگاه دوست داران آل رسول صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و محلّ استجابت دعای مؤمنان است.

ناگفته نماند اکثر تذکره نویسان، قضیه ای راجع به سالم ماندن پیکر شریف صدوق، پس از گذشت نهصد سال از وفات وی نقل کرده اند که ما نیز خلاصه آن را در اینجا ذکر می کنیم. علّامه خوانساری متوفای ۱۳۱۳ ه. ق در کتاب ارزشمند «روضات الجنّات» می نویسد:

«از کرامات صدوق که در این اواخر به وقوع پیوسته و عدّه کثیری از اهالی شهر آن را مشاهده کرده اند، آن است که در عهد فتحعلی شاه قاجار، در حدود ۱۲۳۸ ه.

ق، مرقد شریف صدوق که در اراضی ری قرار دارد، از کثرت باران خراب شد و رخنه ای در آن پدید آمد. به جهت تعمیر و اصلاح آن، اطرافش را می کندند، پس به سردابه ای که مدفنش بود برخوردند. هنگامی که وارد سرداب شدند، دیدند که جثّه او همچنان تر و تازه با بدن عریان و مستور العوره و در انگشتانش اثر خضاب و در کنارش تارهای پوسیده

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۱۷

کفن به شکل فتیله ها بر روی خاک قرار گرفته است.

این خبر به سرعت در تهران منتشر شد و به گوش سلطان وقت رسید. وی با جمعی از بزرگان و امنای دولت، به جهت مشاهده حضوری به محلّ آمدند. جمعی از علما و اعیان داخل سرداب شدند و صدق قضیه را به رأی العین مشاهده کردند. پس از آن وی دستور تعمیر و تجدید بنا و تزئینات آن بقعه را صادر کرد.» «۱» صاحب روضات که در آن زمان ۱۲ ساله بوده می نویسد:

«من خود بعضی از افرادی را که در آن واقعه حضور داشتند ملاقات نموده ام.» صاحب «تنقیح المقال» نیز همین قضیه را نقل نموده و اضافه می کند:

«چهل سال پیش به سند صحیح از سید ابراهیم لواسانی- یکی از علمای بزرگ تهران- نقل شده که وی خود از کسانی بوده است که به چشم خود جسد مطهّر را به همان حال که ذکر شد مشاهده کرده است. «۲» خدای او را رحمت کند و با پیامبر اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و ائمّه طاهرین علیهم السّلام محشورش گرداند. «۳»

---

(۱)- روضات الجنّات، ج ۶، ص ۱۴۰، ریحانه الادب، ج ۳، ص ۴۳۷

(۲)- ریحانه

الادب، ج ۳، ص ۴۳۸، قاموس الرجال، ج ۸، ص ۲۸۶، به نقل از تنقیح المقال، ج ۳، ص ۱۵۵

(۳)- ما این مقدّمه را از کتاب «شیخ صدوق»، تألیف حجت الاسلام محمّد علی خسروی تلخیص و اقتباس نموده ایم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ

حدیث اوّل

عبد اللَّه بن عمر گفت: از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم در مورد علی بن ابی طالب علیه السّلام [بطور توهین آمیزی] سؤال کردیم. آن حضرت خشمگین شد و فرمود:

چرا عدّه ای به بدی یاد می کنند از کسی که مقام و منزلتش نزد خدا، همچون مقام و منزلت من است؟! آگاه باشید هر کس علی را دوست بدارد، مرا دوست می دارد و هر کس مرا دوست بدارد، خداوند از او راضی است و هر کس خدا از او راضی باشد، پاداشش را بهشت قرار می دهد. بدانید، هر کس علی را دوست بدارد، از دنیا نمی رود مگر اینکه از حوض کوثر بنوشد و از درخت طوبی بخورد و جایگاه خود را در بهشت ببیند. آگاه باشید، هر کس علی را دوست بدارد، نماز، روزه و شب زنده داری اش پذیرفته می شود و دعایش مستجاب می گردد.

بدانید، هر کس علی را دوست بدارد، فرشتگان برای او طلب آمرزش می کنند و درهای هشتگانه بهشت بر او گشوده می شود تا از هر دری که بخواهد، بدون حساب وارد شود. آگاه باشید، هر کس علی را دوست بدارد، خداوند نامه عملش را به دست راستش می دهد و به حساب او همچون حساب انبیا رسیدگی می کند. بدانید هر کس علی را دوست بدارد، خداوند شدّت و سختی جان دادن را

بر او آسـان می کنـد و قبرش را باغی از باغهای بهشت قرار می دهـد. آگاه باشـید، هر کس علی را دوست بـدارد، خداونـد به تعـداد رگهای بـدنش از حوری های بهشت به او می بخشـد و در مورد هشـتاد نفر از اقوام و خویشانش، شـفاعت می کند و به تعـداد موهـای بـدنش، از حوریـان بهشـتی و از شـهرهای بهشـت برخـوردار می شـود. بدانیـد، هر کس علی را دوست بـدارد، خداوند، ملك الموت (عزرائیل) را برای [قبض روح] او، آن گونه می فرستد که برای پیامبران فرستاده می شود و ترس از نکیر و منکر را از او برمی دارد و رویش را سـفید می کند، و او با حضـرت حمزه سـید الشهداء همنشین خواهد بود. آگاه باشید، هر کس علی را دوست بدارد، خداوند، حکمت را در قلبش ثابت می کند و سـخن درست را بر زبانش جاری می سازد و درهای رحمت را به رویش می گشاید.

بدانیـد، هر کس علی را دوست بـدارد، در آسـمانها و زمین، اسیر خـدا نامیده می شود. آگاه باشـید، هر کس علی را دوسـت بـدارد، فرشـته ای از زیر عرش او را صـدا می زنـد: ای بنـده خـدا، عمـل [به فرامین الهی] را از نو آغاز کن، زیرا خداونـد تمام گناهـانت را آمرزیـده اسـت. بدانیـد، هر کس علی را دوسـت بـدارد، روز قیـامت در حـالی [بـه صـحرای محشـر] می آیـد که صورتش همچون ماه شب چهارده می درخشد. آگاه باشید، هر کس علی را دوست بدارد، بر سرش تاج پادشاهی گذاشته می شود،

و لباس کرامت و بزرگواری بر او پوشانـده می شود. بدانیـد، هر کس علی را دوست بـدارد، از پل صـراط همچون برق جهنده می گذرد. آگاه باشید، هر کس علی را

دوست بدارد، برای او، دوری از آتش جهنم و جواز عبور از صراط و امان از عذاب دوزخ نوشته می شود، نامه عملش گشوده نخواهد شد و کردارش سنجیده نمی شود و به او گفته می شود: بدون حساب به بهشت وارد شو. بدانید، هر کس علی را دوست بدارد، ملائکه با او دست می دهند و انبیا او را زیارت می کنند و خداوند، تمام حاجتهایش را برمی آورد. آگاه باشید، هر کس آل محمّد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم را دوست بدارد، از حسابرسی و سنجش کردار و عبور از صراط، در امان است.

بدانید، هر کس بر دوستی آل محمّد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم بمیرد، من (رسول خدا) همنشینی او را با انبیا در بهشت ضمانت می کنم. آگاه باشید، هر کس بر بغض و کینه آل محمّد بمیرد، بوی بهشت را استشمام نمی کند.

ابو رجاء گفت: حماد بن زید به این حدیث افتخار می کرد و می گفت: این حدیث، اصل [مهمی در دین] است.

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۲۵

حدیث دوم

علی بن حسن از امام باقر علیه السّلام از پدران گرامی آن حضرت نقل کرد که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود:

دوستی من و دوستی اهل بیتم در هفت جای هول انگیز سودمند است: وقت مردن، در قبر، هنگام برانگیخته شدن از قبر، وقت [گرفتن یا گشودن] نامه عمل، زمان رسیدگی به حساب، هنگام سنجش کردار و وقت عبور از صراط.

حدیث سوم

اسماعیل بن مسلم از امام صادق علیه السّلام از پدران گرامی آن حضرت نقل کرد که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود:

ثابت قدم ترین شما در صراط، کسی است که اهل بیت مرا بیشتر دوست می دارد.

حدیث چهارم

ابو حمزه ثمالی از امام باقر و آن حضرت از پدرانش نقل کرد که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم به علی علیه السّلام فرمود:

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۲۷

[هر گاه] محبّت و دوستی تو در دل مؤمنی قرار گیرد باعث می شود اگر یک قدمش بر صراط بلغزد، قدم دیگرش ثابت بماند تا اینکه خداوند او را به سبب محبّت تو، به بهشت وارد کند.

حدیث پنجم

زید بن ثابت گفت: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود:

هر کس علی را در زمان حیات آن حضرت و بعد از وفاتش دوست بدارد، خداوند عزّ و جلّ، تا زمانی که خورشید طلوع و غروب می کند، برای او ایمنی [از عذاب] و [ثبات] ایمان می نویسد و هر کس در زمان حیات علی علیه السّلام و یا بعد از وفاتش نسبت به آن حضرت بغض و کینه ورزد، به مرگ جاهلیت خواهد مرد و همه کردار و رفتارش، حسابرسی می شود.

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۲۹

حدیث ششم

رقیّه دختر حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام از پدرش از پدران گرامی اش نقل کرد که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود:

هیچ بنده ای در روز قیامت، قدم از قدم بر نمی دارد مگر اینکه در مورد چهار چیز از او سؤال می شود: از جوانی اش که در چه راهی گذرانده، از عمرش که در چه راهی به سر برده، از مالش که از کجا به دست آورده و در چه راهی خرج کرده، و از دوستی ما اهل بیت.

حدیث هفتم

ابو سعید خدری گفت: در خدمت رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نشسته بودیم که مردی نزد آن حضرت آمد و گفت: ای رسول خدا، در مورد کلام خداوند خطاب به شیطان که فرموده:

«آیا تکبر کردی یا از برترین ها بودی؟» برایم توضیح بده تا مشخص شود «عالین» چه کسانی هستند که از ملائکه هم برترند؟

پیامبر فرمود:

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۳۱

من و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام، دو هزار سال قبل از آن که خداوند آدم أبو البشر را بیافریند، در سراپرده عرش، تسبیح خدا را می گفتیم و ملائکه به سبب تسبیح ما، تسبیح خدا را می گفتند. هنگامی که خداوند حضرت آدم را آفرید، به فرشتگان فرمان داد او را سجده کنند، ولی به ما امر نفرمود که سجده نماییم. پس فرشتگان، همگی سجده کردند به جز ابلیس که سرکشی نمود و سجده نکرد و خداوند به او فرمود: «آیا تکبر کردی یا از عالین (برترین ها) هستی؟» و مقصود از «عالین»، همین پنج نفر بودند که اسامی آنها در سراپرده عرش نوشته شده بود. پس ما

باب [رحمت] خداییم که از طریق آن، [به خلایق نعمت] می دهد و به سبب ما هدایت یافتگان هدایت می یابند. هر کس ما را دوست بدارد، خدا او را دوست می دارد و در بهشت جای می دهد و هر کس نسبت به ما بغض و کینه داشته باشد، خداوند او را دشمن می دارد و در آتش جهنم جای می دهد. و ما را دوست نمی دارد، مگر کسی که حلال زاده باشد.

حدیث هشتم

عمران گفت: امام صادق علیه السّلام فرمود:

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۳۳

روزی من و پدرم به مسجد پیامبر رفتیم. در آنجا با گروهی از یاران پدرم، که بین قبر رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و منبر آن حضرت [نشسته] بودند، برخوردیم. پدرم به آنها نزدیک شد و سلام کرد و فرمود: به خدا سوگند، من بوی شما و ارواح شما را دوست دارم. پس با ورع و پرهیز از گناه و کوشش در کار خیر، ما (آل محمّد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم) را در این دوستی یاری کنید و بدانید که ولایت ما جز با ورع و کوشش در کار خیر به دست نمی آید.

هر کدام از شما که از جماعتی پیروی می کند، باید مانند آنها رفتار کند.

شما شیعه (پیرو) خدا و یاوران او هستید. شما سبقت گیرندگان اوّل و آخر هستید. در دنیا به سوی محبت ما پیشی گرفته اید و در آخرت به سوی بهشت سبقت می گیرید. من به ضمانت خداوند و عزّ و جلّ و تضمین رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم، بهشت را برای شما ضمانت می کنم. شما پاک و مطهّر هستید و زنانتان پاک و

پاکیزه اند. هر زن مؤمنه ای، حوریی است و هر مرد مؤمنی، تصدیق کننده [و یا راستگو] است. بارها امیر المؤمنین علیه السّلام به قنبر فرمود: بشارت باد بر شما و [به سایر دوستانتان] بشارت دهید: به خدا سوگند رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از دنیا رفت در حالی که بر تمام امتش خشمناک بود به جز جماعت شیعه. آگاه باشید برای هر چیز دستاویزی است و دستاویز دین، شیعه است.

بدانید، برای هر چیز شرافتی است و شرافت دین، شیعه است.

بدانید، برای هر چیز سیّد و سروری است و سیّد مجالس، مجالس شیعه است. آگاه باشید، برای هر چیز امام و پیشوایی است و امام زمین، آن قسمت از زمین است که شیعه در آن سکونت دارد. آگاه باشید،

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۳۵

برای هر چیزی میل و رغبت شدیدی است و میل و رغبت دنیا به مسکنی است که شیعه در آن جای دارد. به خدا سوگند، اگر شما در زمین نبودید، مخالفین شما نمی توانستند از نعمتها بهره مند شوند. [البته آنان] در آخرت نصیب و بهره ای ندارند. هر ناصبی (دشمن اهل بیت) اگر عبادت و بندگی [خدا را] نماید و در کارهای خوب تلاش و کوشش کند، باز مشمول این آیه از قرآن است که می فرماید: «عمل کننده رنج کشنده، از آتش سوزان می چشد.» هر کدام از مخالفین شما که [برای خودش] دعا کند، خداوند دعای او را در مورد شما اجابت می فرماید و هر کس از شما از خداوند تعالی حاجتی درخواست نماید [خدای بزرگ] صد برابر حاجتش را برآورد. هر کس [از شما] یک دعا کند [خداوند] صد دعای او را

اجابت می فرمایـد. هر کس [از شـما] عمل نیکی انجام دهـد، [پاداش عملش] قابل شـمارش نیست و هر کس [از شـما گناهی مرتکب شود، رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم مانع از پی آمدهای [بد] آن می شود. به خدا سوگند روزه دار شما در باغ های بهشت می گردد در حالی که فرشتگان برای رستگاری اش دعا می کنند تا اینکه افطار نماید. حجّ گزار و عمره گزار شما در شـمار بندگان خاصّ خداوند است و به راستی، همه شـما، اهل دعوت خدا و اهل ولایت او هستید. [در قیامت] نه ترسـی بر شما هست و نه اندوهگین خواهید شد. همگی در بهشت هستید، پس به انجام کارهای نیک رغبت نمایید. به خدا سوگند، بعد از ما، هیچ کس به عرش خدا، نزدیکتر از شـیعیان ما نیست. چقدر خداوند با شـیعیان به زیبایی عمل کرده است. اگر نگرانی و ترس از این نبود که در [کارهای خیر] سـستی کنید و بدین سبب دشمنانتان شما را سرزنش نمایند و مردم این مطلب را بزرگ شمارند، فرشتگان، رو در رو بر شما سلام می کردند.

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۳۷

امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود:

اهل ولایت ما، در حالی از قبرهایشان بیرون می آینـد که مردم هراسان و غمگینند، ولی آنها نه می هراسـند و نه اندوهگین می شوند.

حدیث نهم

ابو ذر گفت: رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم را دیدم که دست بر دوش علی بن ابی طالب علیه السّلام نهاد و فرمود:

ای علی، هر کس ما را دوست بـدارد، عرب است و هر کس کینه ما را داشـته باشـد، جفا کار است. شـیعیان ما از خانواده های اصیل و از خاندان شرافت و بزرگواری

و حلال زاده اند. جز ما و شیعیان ما کسی بر کیش ابراهیم نیست و سایر مردم از آن بیزارند. همانا خداوند، فرشتگانی دارد که گناهان شیعیان ما را از بین می برند، آن گونه که تیشه، ساختمان را ویران می کند.

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۳۹

حدیث دهم

ابن عباس گفت: رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود:

دوستی علی بن ابی طالب، گناهان را از بین می برد، آن گونه که آتش، هیزم را از بین می برد.

حدیث یازدهم

عامر جهنی گفت:

رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم در حالی وارد مسجد شد که ما نشسته بودیم، ابو بکر، عمر و عثمان نیز در بین ما بودند و علی علیه السّلام در کناری نشسته بود. رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم آمد و در کنار علی علیه السّلام نشست. سپس به راست و چپ نگاه کرد و فرمود:

در طرف راست و چپ عرش، مردانی بر منبرهایی از نور قرار دارند که چهره های نورانی شان می درخشد. و در این هنگام ابو بکر برخاست و گفت: پدر و مادرم به فدایت ای رسول خدا، آیا من از آنان هستم؟ حضرت فرمود: بنشین. سپس عمر برخاست و سخن ابو بکر را تکرار کرد و حضرت به او نیز فرمود: بنشین. وقتی ابن مسعود آنچه را پیامبر به ابو بکر و عمر فرمود: مشاهده کرد، تمام قد برخاست

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۴۱

و گفت: پدر و مادرم به فدایت، ای رسول خدا، آنها را برای ما وصف کن تا با خصوصیاتشان آشنا شویم و آنها را بشناسیم. سپس رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم دست بر دوش علی علیه السّلام نهاد و فرمود، این و شیعیانش، همان رستگارانند.

حدیث دوازدهم

حبیب سجستانی از امام باقر علیه السّلام نقل کرد که آن حضرت فرمود:

رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود:

خداوند عزّ و جلّ فرمود: بطور قطع و یقین، هر گروه و دسته ای در اسلام [بخواهند] به سبب دوستی و ولایت امام جائر و ستمگری که از طرف خدا [منصوب] نیست دینداری کنند، عذاب خواهم کرد، هر چند در عمل، نیکوکار

و پرهیزکـار باشـند. و حتمـا آن عـدّه از مسـلمانان را که [بخواهنـد] به سـبب دوستی و ولایت هر امام عادلی که از جانب خـدا [منصوب] است دینداری کنند می بخشم، هر چند در عمل ستمگر و گناهکار باشند.

حدیث سیزدهم

ابو حمزه گفت: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که [خطاب به شیعیانش] فرمود:

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۴۳

شما اهل تحیّت و سـلام خدایید. شـما به سـبب رحمت خداوندی، برگزیده خدایید. شـما اهل توفیق خدا و اهل عصمتید [یعنی خـداست که به شـما توفیق انجـام اعمـال خیر را می دهـد و از آلودگی هـا نگه می دارد] شـما در اثر اطـاعت از خداونـد، اهل دعوت خدایید. نه حسابی بر شماست و نه ترس و اندوهی.

حدیث چهاردهم

ابو حمزه گفت: شنیدم امام صادق علیه السّلام فرمود:

قلم از شیعه برداشته شده، برای اینکه خداوند آنها را با عصمت و ولایتش [از گناه و معصیت] نگه می دارد.

حدیث پانزدهم

ابو حمزه گفت: شنیدم امام صادق علیه السّلام فرمود:

به راست، من گروهی را می شـناسم که خداونـد آنها را آمرزیـده و از آنان راضـی شده و [از ارتکاب گناه] نگهشان داشـته و مورد رحمت خویش قرارشـان داده است. [همچنین] آنـان را از هر گونه بـدی حفـظ فرموده و تأییـدشان کرده و به هر رشـدی هدایتشان فرموده و به بالاترین حدّ ممکن [رشد و کمال] رسانیده است. عرض شد:

یا ابا عبد اللّه، آنان چه کسانی هستند؟ فرمود: آنها شیعیان نیکوکار ما

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۴۵

[یعنی همان] شیعیان علی علیه السّلام هستند.

حدیث شانزدهم

امام صادق علیه السّلام فرمود:

مـا بر [اعمـال] شـیعیانمان گواهیم و شـیعیان ما بر [اعمال] مردم گواهنـد و [در روز قیامت] مردم به سـبب گواهی شـیعیان ما به

پاداش و یا کیفر می رسند.

حدیث هفدهم

ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام از پدران گرامی آن حضرت نقل کرد که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم به علی علیه السّلام فرمود:

ای علی، خداوند، دوستی و محبّت بینوایان و مستضعفان در زمین را به تو بخشیده است. من به برادری با آنها راضی شدم، چون آنها به امامت و پیشوایی تو خشنود شدند. پس خوشا به حال کسی که تو را دوست می دارد و تصدیقت می کند و وای بر کسی که با تو دشمن است و تکذیبت می نماید. ای علی، تو عالم به این امّت هستی.

هر کس تو را دوست بدارد، رستگار می شود و هر کس نسبت به تو کینه ورزد، هلاک می گردد. ای علی، من شهر [علم] هستم و تو دروازه آن. و آیا جز از طریق دروازه به شهر وارد می شوند؟ ای علی، اهل مودّت و دوستی تو، کسی است که بسیار بازگشت کننده [به درگاه الهی]

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۴۷

و به شدّت نگه دارنده [نفس] است. لباسهای کهنه و مندرس دارد. [در ظاهر فقیر و تهیدست است ولی] اگر خدا را [برای امری] سوگند دهد، خداوند سوگندش را می پذیرد [و خواسته اش را برآورده می کند].

ای علی، برادران تو همگی [از بدیها] پاك و پاکیزه اند و اهل تلاش و کوشش، در کار خیرند. در راه تو دوست می دارند و در راه تو دشمنی می کنند. پیش مردم بی مقدارند، ولی نزد خداوند، منزلتی بزرگ دارند.

ای علی،

دوستان تو، همسایگان خداوند در فردوس برین هستند.

بر آنچه از دنیا بجا گذاشته اند، افسوس نمی خورند. ای علی، من دوست کسی هستم که تو او را دوست داری و دشمن کسی هستم که تو با او دشمنی. هر کس تو را دوست بدارد، مرا دوست داشته و هر کس نسبت به تو کینه ورزد، نسبت به من کینه ورزیده. ای علی، برادران تو [در اثر روزه، ذکر و دعا]، لبهایشان خشکیده است و زهد و بی رغبتی نسبت به دنیا در چهره هایشان هویداست. ای علی، برادران تو در سه جا شاد می شوند. هنگام جدا شدن روح از بدنهایشان و این در حالی است که من و تو، ناظر بر آنانیم، و هنگام سؤال و جواب در قبر و موقع عرضه اعمال و گذشتن از پل صراط [یعنی] وقتی که از سایر مردم در مورد ایمانشان سؤال می شود و قادر به جواب دادن نیستند. ای علی، جنگ با تو، جنگ با من و صلح با تو، صلح با من است و جنگ با من، جنگ با خداست. هر کس با تو صلح و سازش نماید، با خدا صلح و سازش کرده. ای علی، به برادرانت بشارت ده به اینکه خداوند از آنها راضی شد، زیرا به پیشوایی تو بر آنها رضایت داد و آنها نیز به ولایت تو راضی شدند.

ای علی، تو امیر مؤمنان و پیشوای دست و پا و پیشانی سفیدانی [کنایه از مواضعی که در سجده به زمین می خورد] ای علی، شیعیان تو مسرور و شادمانند. اگر تو و شیعیانت نبودید،

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۴۹

دینی برای خدا بر پا نمی شد و اگر شیعیان تو

در زمین نبودند، آسمان بارانش را فرو نمی فرستاد. ای علی، برای تو گنجی در بهشت است و تو ذو القرنین آن (صاحب سلطنت ظاهری و باطنی آن) هستی. شیعیان تو به حزب اللَّه شناخته می شوند. ای علی، تو و شیعیانت، قیام کننده به عدل و داد هستید و برگزیدگان از خلق خدایید. ای علی، من نخستین کسی هستم که از [قبر بیرون می آیم] و خاک از سرم پاک می کنم، در حالی که تو با من هستی، و سپس سایر خلق از قبرهایشان بیرون می آیند. ای علی، تو و شیعیانت بر سر حوض کوثر، هر کس را دوست داشته باشید، سیراب می کنید و دشمنانتان را باز می دارید. شما روز ترس بزرگ (قیامت) در سایه عرش در امانید. مردم می هراسند و شما نمی هراسید. مردم اندوهگین می شوند و شما اندوهناک نمی شوید. این آیه در باره شما نازل شده است: «به راستی کسانی که به توفیق ما در نیکی ها پیشی گرفتند، از آن (دوزخ) دورند و صدای آن را نمی شنوند و در آنچه نفسهایشان بخواهد (نعمتهای بهشت) جاودانند.

ترس بزرگ روز قیامت، آنها را اندوهگین نمی کند و فرشتگان با آنها ملاقات می کنند [و می گویند] این همان روزی است که به شما وعده داده شده بود».

ای علی، در جایگاه رسیدگی به [حساب و کتاب] به دنبال تو و شیعیانت می گردند و حال آن که شما در بهشت از نعمتهای الهی بهره مندید. ای علی، فرشتگان و خزانه داران بهشت، مشتاق [دیدار] شما هستند و بردارندگان عرش و فرشتگان مقرّب، به گونه ای ویژه، برای شما دعا می کنند و به سبب دوستی و محبّت شما، از خدا [حاجتهای خود را] درخواست می کنند و وقتی یکی از

شیعیان تو [از دنیا می رود] و بر فرشتگان وارد می شود، آن گونه شاد و خوشحال می شوند، که

اهل خانواده با آمدن مسافرشان که مدّتهای مدیدی از بین آنها رفته [و اکنون بازگشته]، شادمان می شوند. ای علی، شیعیان تو کسانی هستند که در پنهان از خدا می ترسند و در پیدا برای خدا خیرخواهی می کنند.

ای علی، شیعیان تو کسانی هستند که در [کسب] درجات بهشت با یک دیگر رقابت دارند، زیرا آنها در حالی خدا را ملاقات می کنند که هیچ گناهی ندارند. ای علی، در هر روز جمعه، اعمال شیعیانت بر من عرضه می شود. خبر کردار نیکشان، مرا خوشحال می کند و برای گناهانشان آمرزش می طلبم. ای علی، [خداوند] تو و شیعیانت را قبل از آن که آفریده شوند، در تورات به تمام خوبیها یاد کرده است تا «الیا» را [که از اسامی مبارک علی علیه السّلام است] بزرگ شمارند و حال آن که شیعیان او را نمی شناسند، مگر همان اندازه که در کتابهایشان آمده است.

ای علی، یاد یارانت، [توسط فرشتگان] در آسمان از یاد آنها [در زمین] توسط اهل زمین باشکوهتر است. خیر و خوبی برای شیعیان تو است، پس باید به این مژده خوشحال باشند و بر کوشش خویش بیفزایند.

ای علی، هنگامی که شیعیان تو به خواب می روند، ارواحشان به آسمان بالا می رود و به سبب مقام و منزلتی که در پیشگاه خدا دارند، فرشتگان مشتاقانه به آنها می نگرند، همان گونه که مردم به هلال ماه می نگرند. ای علی، به یارانت که مقام تو را می شناسند، بگو از رفتاری که دشمنانشان انجام می دهند پرهیز کنند، زیرا

شبانه روز رحمت خداوند آنها را فرا می گیرد، پس باید از پلیدی دوری نمایند. ای علی، خشم و غضب خداوند شدید باد بر کسی که با شیعیان تو دشمنی کند، از تو و شیعیانت بیزاری جوید، به جای تو و پیروانت، دیگران را بدل گیرد، به دشمنت بگراید و تو و پیروانت را واگذارد، گمراهی و ضلالت را برگزیند و بر ضد تو و شیعیانت علم جنگ برافرازد، نسبت به ما اهل بیت و نسبت به هر کس که تو را دوست دارد و یاری می کند و بر دیگران برمی گزیند و جان و مالش را در راه ما (آل محمّد) می دهد، بغض و کینه ورزد. ای علی، سلام مرا به شیعیانت برسان [همان کسانی که] نه من آنها را دیده ام و نه آنها مرا دیده اند و به آنها خبر بده که ایشان برادران منند و مشتاق دیدارشان هستم. پس باید علم و دانش مرا به آیندگان برسانند و به ریسمان الهی [ولایت علی علیه السّلام] تمسّک جویند و به آن چنگ زنند و در انجام [کارهای نیک] بکوشند، زیرا ما آنها را از راه هدایت به راه گمراهی و ضلالت بیرون نمی بریم.

همچنین به آنان خبر ده که خداوند از ایشان راضی و خرسند است و به [وجود] آنان بر فرشتگان مباهات می کند و در روزهای جمعه، با نظر رحمت به آنها می نگرد و به فرشتگان فرمان می دهد که برای ایشان آمرزش بطلبند. ای علی، روی برنتاب از یاری و نصرت گروهی که وقتی به آنها خبر می رسد و می شنوند که من تو را دوست می دارم، پس به خاطر محبّت من نسبت به تو، تو را

دوست می دارند و بدین وسیله دینداری خدای بزرگ را می نمایند و محبت قلبی و خالصانه خویش را به تو ارزانی می دارند و تو را بر پدران، برادران و فرزندان خویش برمی گزینند و راه تو را می روند و در راه دوستی و محبت ما سختیها و ناگواریها به آنها تحمیل می شود، ولی آنان جز نصرت و یاری ما

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۵۵

و ایثار خونشان در راه ما [از هر کار دیگری] سر باز می زنند با وجود آزار و اذیّتها [یی که می کشند] و سخنان بد [ی که می شنوند] و رنج و مشقّتهایی که از درد این مصیبت می کشند. پس نسبت به آنها مهربان باش و به [دوستی] آنها قناعت کن، زیرا خداوند آنها را با علم و آگاهی اش، از بین مردم برگزیده، ایشان را از سرشت ما آفریده، اسرار ما را نزد آنها به ودیعه نهاده، شناخت حقّ ما را در قلبشان ثابت و استوار ساخته، سینه هایشان را فراخ نموده و آنها را متمسّک به ریسمان ولایت ما قرار داده است. ایشان، مخالفین ما را علیه ما برنمی گزینند، هر چند این گونه اعمال، باعث می شود منافع دنیا را از دست بدهند و پادشاهان به اذیّت و آزار آنها متمایل شوند. خداوند آنها را تأیید فرماید و به راه هدایت واردشان کند. [همان راه هدایتی] که به آن چنگ زدند، در حالی که مردم در گمراهی بسر می بردند و در مسیر هواهای نفسانی حیران بودند و از دیدن راه [حقّ] و آنچه از نزد خدا آمده بود، کور بودند. پس مردم در خشم و ناخشنودی خداوند، صبح را به شب و شب را به روز

می آورند و حال آن که شیعیان تو، در راه روشن حقّ و پایداری بر آن، ثابت و استوارند و به کسانی که با آنها مخالفند، انس نمی گیرند. دنیا از آن آنها نیست و آنها نیز از آن دنیا نیستند. اینان چراغهای [فروزان در] تاریکی اند، اینان چراغهای [فروزان در] تاریکی اند، اینان چراغهای [فروزان در] تاریکی اند.

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۵۷

حدیث هجدهم

سلیمان دیلمی گفت:

نزد امام صادق علیه السّلام بودم که ابو بصیر، در حالی که نفسهای عمیقی می کشید، بر آن حضرت وارد شد. هنگامی که نشست، امام صادق علیه السّلام رو به او کرد و فرمود: ای ابا محمّد، چرا این گونه نفس عمیق می کشی؟

ابو بصیر گفت: فدایت شوم ای فرزند رسول خدا، پیر و ناتوان شده ام و زمان مرگم نزدیک شده، با این وجود نمی دانم در آخرت چه حالی خواهم داشت! امام علیه السّلام فرمود: ای ابا محمّد، تو هم، چنین می گویی؟ ابو بصیر گفت: قربانت گردم، چرا نگویم؟ امام علیه السّلام فرمود:

ای ابا محمّد، مگر نمی دانی که خداوند تعالی، جوانان «شما» (شیعیان) را گرامی داشته از اینکه کیفرشان نماید و از پیران «شما» شرم می کند که از آنها حساب بکشد. ابو بصیر گفت: فدایت شوم، آیا این مقام، ویژه ما (شیعیان) است یا برای عموم اهل توحید و یکتاپرستان است؟

حضرت علیه السّلام فرمود: به خدا سوگند فقط مخصوص شما [شیعیان] است و سایر مردم را شامل نمی شود. در حدیث آمده است که خداوند می فرماید: «سفیدی محاسن مؤمنین از نور من است و من شرم دارم

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۵۹

از اینکه نورم را با آتشم بسوزانم». همچنین نقل شده است: «سفیدی محاسن، زیور

عقل و نشانه وقار و سنگینی است».

ابو بصیر گفت: فدایت شوم، [مخالفین شما] به ما لقبی داده اند که پشت ما را شکسته و دلهایمان را میرانده است، و زمامداران و والیان، به خاطر همین لقب- و بنا بر حدیثی که فقهایشان روایت می کنند- خون ما را حلال می شمرند.

امام علیه السّلام فرمود: مقصودت لقب «رافضی» است؟

ابو بصیر گفت: آری. امام علیه السّلام فرمود: نه، به خدا سوگند، اینان شما را به این نام نخوانده اند، بلکه خداوند شما را بدان نامیده است. ای ابا محمّد، مگر نمی دانی که هفتاد نفر از بنی اسرائیل، وقتی گمراهی فرعون و قومش، و هدایت موسی را تشخیص دادند، فرعون را رها کردند و به موسی پیوستند، به همین سبب، در میان لشکر موسی علیه السّلام به «رافضی» خوانده می شدند. اینها در بین لشکر موسی علیه السّلام بیش از دیگران عبادت می کردند و نسبت به موسی و هارون و فرزندانشان علیهم السّلام محبت بیشتری داشتند و خداوند به موسی علیه السّلام وحی فرمود: این نام را در تورات برای آنها ثبت کن، زیرا من آنان را به این اسم نامیده ام و این نام را بدانها بخشیده ام.

موسی علیه السّلام نیز این نام را برای آنها ثبت فرمود و پس از آن، خداوند، این نام را برای شما ذخیره کرد و به شما عطا فرمود.

ای ابا محمّد، اینان خوبی را رها کردند و شما به کمک خوبی، بدی را رها کردید. مردم به دسته ها و گروه های مختلفی تقسیم شدند

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۶۱

و شما در گروه خاندان پیامبرتان محمد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در آمدید و به راهی رفتید

که خداوند به آن امر فرموده است. شما همان راهی را که خدا برایتان برگزیده بود، انتخاب کردید و کسی را که خدا اراده کرده بود، اختیار نمودید. پس مژده باد بر شما و باز هم مژده باد بر شما. به خدا سوگند، شمایید که مورد رحمت حقّ قرار گرفته اید، کردار نیک نیکوکارانتان پذیرفته می شود و از کردار زشت بدکارانتان چشم پوشی می شود. هر کس روز قیامت بدون آن عقیده ای که شما دارید به پیشگاه پروردگار درآید، خداوند نه کردار نیکش را می پذیرد و نه از کردار بدش درمی گذرد. ای ابا محمّد، آیا تو را خوشحال کردم؟ ابو بصیر گفت: عرض کردم: فدایت شوم بیشتر بگویید. امام علیه السّلام فرمود: ای ابا محمّد، خداوند فرشتگانی دارد که گناهان را از دوش شیعیان ما می ریزند، همان گونه که باد خزان، برگهای درختان را در فصل پاییز می ریزد و این است معنی کلام خداوند عزّ و جلّ: «و فرشتگان پروردگارشان را سپاس و ستایش می کنند و برای مؤمنان طلب آمرزش می کنند» به خدا سوگند آمرزش خواهی آنان، تنها برای شما است، نه برای سایر مردم. ای ابا محمّد، آیا خوشحالت کردم؟

ابو بصیر گفت: عرض کردم: فدایت شوم، بیشتر بگویید، امام علیه السّلام فرمود: ای ابا محمّد، به خدا سوگند، خداوند عزّ و جلّ در این آیه [آیه ای که بعدا تلاوت می فرماید]، هیچ یک از اوصیای پیامبران و پیروانشان را جدا نکرده، جز امیر مؤمنان علی علیه السّلام و شیعیانش را، آنجا که در قرآن کریم، که سخنش حقّ است، می فرماید: « [روز قیامت] روزی [است] که هیچ دوستی برای دوست خود کاری انجام نمی دهد و آنها یاری نمی شوند،

مگر کسانی که با قلبی پاک و سالم [از پلیـدیها] به نزد خداونـد بیاینـد» و مقصود خدای بزرگ از این آیه، علی علیه السّلام و شیعیان او هستند.

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۶۳

ای ابا محمّد، آیا تو را خوشحال کردم؟ ابو بصیر گفت: عرض کردم:

فـدایت شوم، مطالب بیشتری بفرماییـد. حضـرت فرمود: ای ابا محمّد، همانا خدای تعالی شـما را در قرآن یاد کرده است، آنجا که می فرماید:

«ای بندگان من که در مورد نفس خویش زیاده روی کرده اید، از رحمت الهی ناامید نشوید، زیرا خداوند همه گناهان شما را می آمرزد، به راستی او آمرزنـده و مهربان است» (زمر- ۵۳) به خدا سوگند در این آیه جز شـما، قصد کس دیگری را نداشته است. ای ابـا محمّـد، آیـا تـو را خوشـحال کردم؟ ابو بصـیر گفت: عرض کردم: فـدای شـما گردم، مطـالب بیشـتری بفرماییـد. حضـرت فرمود: ای ابا محمّد، همانا خداوند شما را در قرآن یاد کرده و فرموده: « [ای شیطان]» به راستی تو بر بندگان [خاص] من تسـلطی نداری» (حجر- ۴۲) به خدا سوگند، در این آیه جز امامان علیهم السّلام و شـیعیانشان را قصد نداشـته است. ای ابا محمّد، آیا خوشحالت کردم؟

ابو بصیر گفت: عرض کردم: فدای شما گردم، مطالب بیشتری بفرمایید.

حضرت فرمود:

ای ابا محمّد، همانا خداوند شـما را در قرآن یاد کرده و فرموده: «آنان همدم کسانی هسـتند که خدا نعمتشان داده، از پیامبران، راستگویان، شهیدان و نیکوکاران و چه نیکو رفیقانی هستند» (نساء- ۶۹) در این آیه، مقصود از پیامبران، رسول خدا خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم است و راستگویان و شهیدان ما هستیم و صالحین شمایید. پس به

شایستگی و صلاح معروف شوید، همان گونه که خداوند شما را چنین نامیده است. ای ابا محمّد،

آیا تو را خوشحال کردم؟ ابو بصیر گفت: فدایت شوم، بیشتر بفرمایید.

حضرت فرمود: ای ابا محمّد، همانا خدا شما را یاد کرده در آنجا که از زبان دشمن شما در دوزخ چنین حکایت می کند: «و گویند چرا ما [در اینجا] مردانی را که از اشرار می شمردیم و تمسخرشان می کردیم نمی بینیم یا شاید دیدگان ما [از دیدنشان] خیره گشته است» (ص- ۶۲) به خدا سوگند، مقصود و منظور از این آیه، کسی جز شما نیست، زیرا شما در نزد مردم این جهان، اشرار محسوب شده اید. به خدا سوگند، هنگامی که در بهشت در ناز و نعمت خواهید بود، آنان در دوزخ شما را می جویند، ای ابا محمّد، آیا خوشحالت کردم؟ ابو بصیر گفت: عرض کردم فدایت شوم، بیشتر بفرمایید. امام علیه السّلام فرمود: ای ابا محمد، [همین اندازه بدان که] هیچ آیه ای نیست که به بهشت رهبری کند و بهشتیان را به نیکی یاد کند، جز اینکه در باره ما و شیعیان ما نازل شده و هیچ آیه ای نیست که اهل آن را به بدی یاد کند و به سوی دوزخ براند مگر اینکه در باره دشمن ما و مخالف ما نازل شده است. ای ابا محمد، آیا تو را خوشحال کردم؟ ابو بصیر گفت: عرض کردم: فدایت شوم، بیشتر بفرمایید. حضرت فرمود: کسی بر آیین ابراهیم، جز ما و شیعیان ما نیست و سایر مردم از آن برکنارند. ای ابا محمّد، آیا خوشحالت کردم؟ [و در روایت دیگری نقل شده که ابو بصیر

گفت: مرا بس است.]

حدیث نوزدهم

ابان بن تغلب گفت: از امام صادق علیه السّلام در مورد آیه شریفه: «وارد گردنه نشد» سؤال کردم:

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۶۷

فرمود:

هر که را خدا به برکت ولایت ما گرامی بدارد، از عقبه (گردنه) گذشته است. و ما آن گذرگاهی هستیم که هر کس داخل آن شود، نجات می یابد. سپس اندکی سکوت کرد و در ادامه فرمود: آیا برای تو سخنی بگویم که خیر آن، از دنیا و آنچه در آن است بیشتر باشد؟ عرض کردم: آری، فدایت شوم. فرمود: [آن سخن] قول خدای تعالی است که فرمود: «آزاد کردن بندگان از آتش است»، زیرا تمام مردم اسیر آتشند، جز تو و یارانت. همانا خداوند به برکت ولایت ما اهل بیت، شما را از آتش دوزخ رهایی بخشیده است.

حدیث بیستم

ابا بصیر از امام صادق علیه السّلام نقل کرد که آن حضرت فرمود:

امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود:

من چوپانم، چوپان مردم. آیا گمان داری که چوپان، گوسفندان خویش را نمی شناسد؟ در این هنگام، جویریه برخاست و به آن حضرت گفت: ای امیر المؤمنین، گوسفندان تو چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: کسانی که [در اثر شب بیداری] رنگ چهره هایشان به زردی گراییده و بر اثر بسیاری ذکر خدا، لبهایشان خشکیده است.

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۶۹

حدیث بیست و یکم

معاویه دهنی گفت: به امام صادق علیه السّلام عرض کردم:

فدایت شوم، تفسیر این حدیثی که از شما شنیده ام چیست؟

حضرت فرمود: کدام حدیث؟ گفتم: اینکه «مؤمن به نور خدا می نگرد»؟

فرمود:

ای معاویه، خداوند مؤمنین را از نور خود آفرید و از رحمتش ایشان را ساخت و روزی که خودش را به آنان شناساند، برای ما از آنها عهد و پیمان گرفت. پس مؤمن، برادر مؤمن است و از یک پدر و مادر هستند.

پدرش نور و مادرش رحمت است و مؤمن، به وسیله این نوری که از آن خلق شده می بیند.

حدیث بیست و دوم

داود بن کثیر رقّی گفت: بر امام صادق علیه السّلام وارد شدم و به آن حضرت عرض کردم:

فدایت شوم، در آیه شریفه: «به راستی من نسبت به کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد و سپس هدایت یابد، بسیار آمرزنده ام»

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۷۱

منظور از هدایت، بعد از توبه و ایمان و عمل صالح، چیست؟

فرمود:

معرفت و شناخت ائمّه هدی است. به خدا سوگند امامی بعد از امام دیگر است.

حدیث بیست و سوم

سدیر صیرفی گفت:

بر امام صادق علیه السّلام در حالی وارد شدم که ابو بصیر، میسره، و عده ای از همنشینانش، نزد آن جناب بودند. وقتی نشستم، روی به من کرد و فرمود: ای سدیر، آگاه باش، دوستدار ما همواره در حال عبادت خداست، چه ایستاده، چه نشسته، چه خوابیده، چه در زمان حیات و چه پس از مرگ.

سدیر گفت: عرض کردم: عبادت او را در حالی که ایستاده و نشسته، و یا در ایّام حیات، دانستیم، امّا چگونه در حالی که خوابیده و یا از دنیا رفته خدا را عبادت می کند؟ فرمود: هنگامی که ولیّ ما سر بر زمین می گذارد و می خوابد، و وقت نماز فرا می رسد، خداوند دو فرشته را که در زمین آفریده شده اند و به آسمان بالا نرفته و ملکوت آسمانها را ندیده اند، بر او می گمارد که در کنارش به نماز بایستند تا زمانی که از خواب بیدار شود و خداوند، ثواب نماز آن دو فرشته را به حساب او منظور می دارد و هر رکعت از نمازشان معادل هزار رکعت نماز، از نمازهای انسانها است.

وقتی خداوند، دوستدار ما را قبض روح می فرماید، دو فرشته موکّل بر او

فضائل

به آسـمان بالا مى روند و به پيشـگاه الهى عرضه مى دارند: بار الها، بنده تو، فلانى پسر فلانى، مدت عمرش تمام شد و اجلش فرا رسـيد و تو به اين موضوع از مـا دانـاترى. پس به ما اجازه بـده در اطراف آسـمانها و زمين، تو را عبادت نماييم. خداونـد به آنها وحى مى فرمايـد: «در آسـمانم كسـى هست كه مرا عبادت مى كنـد و حال آن كه هيـچ نيازى به عبادتش نـدارم، بلكه او محتاج عبادت و بندگى است. و در زمينم نيز كسى هست كه آن گونه كه سزاوار من است، مرا عبادت مى كند و هيچ بنده اى را نيازمنـدتر از او به خودم نيافريده ام. پس به سوى قبر ولىّ من فرود آييد.» سـپس آن دو فرشـته عرضه مى دارند: پروردگارا، اين چه كسـى است كه به سبب محبّت و دوستى تو نسبت به او سعادتمند شده است؟ خداوند به آن دو ملك وحى مى فرمايد: «او كسى است كه براى نبوّت بنده ام محمّد مصطفى صلّى اللَّه عليه و آله و سلّم و ولايت جانشينش (علىّ مرتضى عليه السّلام) و فرزنـدان آن دو، از او عهد و پيمان گرفته شده است. پس به سوى قبر ولىّ من، فلانى پسـر فلانى فرود آييد و نزد قبر او نماز گزاريـد تا زمانى كه او را [از قبرش] برانگيزم.» پس آن دو فرشـته فرود مى آيند و در كنار قبر آن ولىّ خدا نماز مى گزارند تا زمـانى كه خداونـد او را از قبر برانگيزد و [خـداى بزرگ] ثواب نماز آن دو فرشـته را براى آن ولىّ خـدا قرار مى دهـد كه هر ركعت از نمازشان با هزار ركعت از نماز

انسانها برابری می کند. سدیر گفت:

فدایت شوم ای پسر رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم، پس در هنگامی که ولیّ شما خوابیده و یا از دنیا رفته، خداوند را بیشتر عبادت می کند از وقتی که زنده است و به نماز ایستاده؟ حضرت فرمود: هیهات ای سدیر، ولیّ ما در روز قیامت، از خدا برای دیگران امان می طلبد (شفاعت می کند) و خداوند اجازه این کار را به او می دهد (شفاعتش را می پذیرد).

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۷۵

حدیث بیست و چهارم

سدیر گفت: به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: فدایت شوم ای پسر رسول خدا، آیا مؤمن از مردن (قبض روحش) کراهت دارد؟ فرمود:

نه، [بلکه] آن زمان که ملك الموت برای قبض روح مؤمن می آید، مؤمن بی تابی می کند. ملك الموت به او می گوید: ای ولیّ خدا، بی تابی مکن. سوگند به آن خدایی که محمّد صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم را به حقّ به پیامبری مبعوث فرمود، من نسبت به تو، از پدری مهربان نسبت به فرزندش، دلسوزتر و نیکوکارترم. چشمهایت را باز کن و ببین. [در این هنگام] وجود مبارك رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم، امیر المؤمنین علیه السّلام، فاطمه زهرا علیها السّلام، امام حسن مجتبی و امام حسین علیهما السّلام و سایر ائمه هدی علیهم السّلام برایش نمایان می شوند و به او گفته می شود اینها دوستان تو هستند. پس چشمهایش را می گشاید و می نگرد و به روحش از جانب عرش ندا داده می شود: «ای [صاحب] نفس مطمئنّه، به سوی محمّد و اهل بیت آن حضرت صلوات اللّٰه علیه و آله و سلّم باز گرد و به بهشتم داخل شو».

[در این لحظه] برای مؤمن، چیزی خوشایندتر از این نیست که روح از بدنش خارج شود و به آن منادی بپیوندد.

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۷۷

حدیث بیست و پنجم

معاویه بن عمّار از امام صادق علیه السّلام و ایشان از پدران گرامی خود علیهم السّلام نقل کرد که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود:

هنگامی که روز قیامت فرا رسد، گروهی را بر منبرهایی از نور می آورند که چهره هایشان همچون ماه شب چهارده می درخشد و اوّلین و آخرین [آفریدگان] به حال آنها غبطه می خورند. در این لحظه، رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم سکوتی کرد و در ادامه، سه بار همین عبارت را تکرار فرمود. عمر بن خطاب عرض کرد: پدر و مادرم به فدایت، آیا اینها شهدا هستند؟

پیامبر صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: اینها شهدا هستند، اما نه آن شهدایی که شما گمان می کنید. گفت: اوصیا هستند؟ حضرت فرمود: اینها اوصیا هستند، اما نه اوصیایی که شما خیال می کنید. گفت: آیا از اهل آسمانند یا اهل زمینند؟ پیامبر صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: از اهل زمینند. گفت: پس به من بگو اینها چه کسانی هستند؟ رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم با دستش به علی علیه السّلام اشاره کرد و فرمود: این و شیعیانش هستند. هیچ کس نسبت به او بغض و کینه نمی ورزد، مگر از قریش، آن که حرامزاده است و از انصار، آن که یهودی است و از عرب، آن که حرامزاده باشد و از سایر مردم، آن که کسی که اهل شقاوت و بدبختی است. ای عمر، دروغ

می گوید کسی که گمان می برد دوستدار من است، در حالی که نسبت به علی علیه السّلام بغض و کینه دارد.

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۷۹

حدیث بیست و ششم

امام باقر علیه السّلام از رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم نقل کرد که آن حضرت فرمود:

روز قیامت گروهی می آیند که لباسهایی از نور در بر دارند و چهره هایشان نورانی است و به آثار و علائم سجده هایشان شناخته می شوند. صفها را یکی پس از دیگری می شکافند تا اینکه در پیشگاه خداوند عالم قرار می گیرند، و در آن حال، پیامبران الهی، فرشتگان، شهدا و صالحین به حال آنها غبطه می خورند. عمر بن خطّاب المطلب به آن حضرت عرض کرد: ای رسول خدا، اینها چه کسانی هستند که پیامبران، فرشتگان، شهیدان و نیکوکاران بر آنها غبطه می خورند؟ فرمود: اینها شیعیان ما هستند و علی علیه السّلام امام آنهاست.

حدیث بیست و هفتم

معاویه بن عمّار از امام صادق علیه السّلام نقل کرد که آن حضرت از پدرانش علیهم السّلام از رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم نقل کرد که آن حضرت خطاب به علی علیه السّلام فرمود:

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۸۱

ای علی، امّتم را [در عالم ذرّ] به من نشان دادند، بطوری که کوچک و بزرگ آنها را مشاهده کردم. ایشان ارواحی بودند که هنوز اجسامشان آفریده نشده بود. من بر تو و شیعیانت گذشتم و برای شما طلب آمرزش کردم. سپس علی علیه السّلام عرض کرد: ای رسول خدا، در مورد آنها (شیعیانم) بیشتر برایم سخن بگویید. پیامبر پذیرفت و فرمود:

ای علی، تو و شیعیانت از قبر بیرون می آیید، در حالی که چهره هایتان همچون ماه شب چهارده می درخشد و سختیها از شما برداشته شده و ناراحتیهایتان از بین رفته و در زیر سایه عرش الهی آسوده خاطرید. مردم می ترسند و شما هراسی

ندارید. مردم اندوهناک هستند و شما حزن و اندوهی ندارید. برای شما خوان کریمانه حضرت حق را می گسترانند، در حالی که مردم گرفتار حساب و کتاب اعمال خویشند.

حدیث بیست و هشتم

محمّد قبطی گفت: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود:

مردم فرمایش رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم را در باره علی علیه السّلام در روز غدیر خمّ فراموش کردند، همان گونه که سخن آن حضرت را در روز مشربه امّ ابراهیم از یاد بردند. [قضیه آن چنین بود که] مردم به عیادت رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم می آمدند و در این هنگام، علی علیه السّلام نیز تشریف آورد و خواست نزد رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم برود، ولی جای خالی نیافت.

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۸۳

وقتی پیامبر صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم دید که اهل مجلس، راه را برای علی علیه السّلام باز نمی کنند، فرمود: ای مردم، اینها (علی علیه السّلام و همسر و فرزندانش) اهل بیت منند و شما در حالی که من هنوز در میانتان هستم، اهل بیتم را سبک می شمارید! به خدا سوگند، اگر من از بین شما رخت بربندم (رحلت نمایم)، خداوند از شما پنهان نمی گردد [و ناظر بر اعمال شماست]. به راستی که آسایش، راحتی، خشنودی، بشارت، محبّت و دوستی برای کسی است که از علی علیه السّلام پیروی کند و او را دوست بدارد و تسلیم فرمان او و اوصیای بعد از او باشد. بر من [واجب] است که آنها را شفاعت کنم، زیرا ایشان، پیروان منند و هر کس مرا پیروی نماید، از من است.

این موضوع، همان گونه است که در باره ابراهیم بوده، زیرا من از ابراهیم هستم و ابراهیم از من است. دین من دین او و سنّت من، سنّت او و فضل من فضل او است و من از او برترم و برتری من برای او، باعث فضل و برتری است به مصداق قول خداوند که می فرماید: « [اینها] فرزندانی هستند که بعضی از نسل بعض دیگرند و خدا شنوای داناست» (آل عمران- ۳۴). رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم [این مطالب را زمانی بیان فرمود که] پاهای مبارکش متورم شده بود و در مشربه امّ ابراهیم، مردم به عیادت آن حضرت می آمدند.

حدیث بیست و نهم

ابو عبد اللَّه جدلی گفت: امیر المؤمنین علیه السّلام به من فرمود:

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۸۵

ای ابا عبد اللَّه، آیا به تو خبر بدهم از خوبی (حسنه) ای که هر کس آن را با خود همراه داشته باشد، از ترس روز قیامت در امان خواهد بود؟

و [آیا به تو خبر بدهم] از بدی (سیّئه) ای که هر کس با خود همراه داشته باشد، خداوند او را با صورت در آتش جهنم می اندازد؟ ابو عبد اللَّه جدلی گفت: عرض کردم: آری [خبر دهید]. حضرت فرمود: «حسنه»، دوستی ما (اهل بیت) و «سیّئه»، دشمنی ما (آل محمّد) است.

حدیث سی ام

ابو اسحاق نحوی گفت: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود:

خداوند، پیامبرش را بر محبّت و دوستی خودش ادب کرد [و از اخلاق پیامبر به نیکی یاد کرده است، آنجا که فرموده:] «ای پیامبر، تو صاحب اخلاق بزرگی هستی». سپس [امر دین را] به آن حضرت تفویض کرد و فرمود: «آنچه پیامبر برای شما آورده، بپذیرد و از آنچه شما را نهی کرده پرهیز نمایید». و [در آیه دیگری] فرمود: «هر کس از رسول خدا اطاعت نماید، از خدا اطاعت کرده است» و رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم نیز امر دین را به علی علیه السّلام سپرد و او را امین شمرد. پس شما (شیعیان) تسلیم شدید و مردم انکار کردند. به خدا سوگند، ما دوست داریم هر گاه سخن می گوییم، شما هم سخن بگویید و هر زمان سکوت کردیم، شما نیز سکوت کنید. ما واسطه بین شما و خدا هستیم. به خدا سوگند، خداوند در مخالفت با امرش برای هیچ کس

خیری قرار نداده است.

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۸۷

حدیث سی و یکم

محمد بن مسلم از امام باقر علیه السّلام نقل کرد که آن حضرت فرمود:

گناهان مؤمن آمرزیده می شود، پس مؤمن باید عمل خویش را از سر گیرد [زیرا پرونده اعمال او از گناه پاک شده و چیزی در آن نوشته نشده است]. آگاه باشید که این ویژگی، تنها به اهل ایمان (شیعیان) اختصاص دارد.

حدیث سی و دوم

محمّد بن مسلم از امام باقر علیه السّلام نقل کرد که آن حضرت فرمود:

خداوند به هر کس که دوست دارد و یا دشمن می دارد، [نعمتهای] دنیا را می دهد، ولی [نعمتهای] آخرت را تنها به کسانی می دهد که دوستشان دارد. مؤمن، اندکی از [مال] دنیا را از خدا می خواهد و خداوند به او نمی دهد. اما وقتی [نعمتهای] آخرت را از او درخواست می کند، خداوند، هر چه بخواهد، به او می بخشد. در مقابل، خداوند در دنیا به کافر هر چه بخواهد می بخشد، قبل از آن که از او درخواست نماید. ولی اگر اندکی از [نعمتهای] آخرت را بخواهد، به او نمی دهد.

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۸۹

حدیث سی و سوم

ابو حمزه گفت: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود:

شما (شیعیان) برای بهشت آفریده شده اید و بهشت نیز برای شما آفریده شده است. نامتان، نیکوکاران و اصلاح گران است و از خدا راضی و خشنودید، چون او از شما خشنود است. و فرشتگان برادران شما در کارهای نیکند، پس در کار خیر بکوشید.

حدیث سی و چهارم

ابو حمزه گفت: امام صادق علیه السّلام فرمود:

سرزمینها و قبرهایتان برای شما [همچون] بهشت است. برای بهشت آفریده شده اید و به سوی آن می روید.

حدیث سی و پنجم

ابو حمزه گفت: شنیدم امام صادق علیه السّلام فرمود:

هنگامی که مؤمن به نماز می ایستد، خداوند حوری های بهشتی را نزد او می فرستد تا پیرامون او جمع شوند. پس هنگامی که نمازش به پایان می رسد و برمی گردد و از درگاه ربوبی حوریه ای درخواست نمی کند، با شگفتی از دور او پراکنده می شوند.

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۹۱

حدیث سی و ششم

امام صادق علیه السّلام فرمود: از امام باقر علیه السّلام شنیدم که فرمود:

هنگامی که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم به معراج رفت [و بازگشت]، به علی علیه السّلام فرمود: ای علی، من در بهشت نهری را دیدم که از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر و از تیر راست تر بود. در آن، به اندازه ستارگان آسمان کاسه بود و بر کناره آن، قبّه هایی از یاقوت سرخ و درّ سفید. جبرئیل با بالش به کنار آن زد [و معلوم شد] مشک خوشبو و معطّر است. سپس [رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم] فرمود: به آن خدایی که جان محمّد به دست قدرت اوست، در بهشت درختی است که با صدای بلند، تسبیح خداوند را می گوید. صدای آن درخت، به گونه ای است که اوّلین و آخرین [آفریدگان]، زیباتر از آن صدا را نشنیده اند. این درخت همچون درخت انار میوه می دهد و میوه هایش را بر سر مؤمن می ریزد و چون آن را باز نماید، آن را از بین نود حلّه می شکافد. مؤمنین بر روی تخت هایی از نورند، در حالی که پیشانی و دست و پاهای آنها درخشان و نورانی است. [ای علی] تو در قیامت، پیشوایشان هستی. هر یک از آنها کفشهایی می پوشد که بندهایش از

نور است و جلوی خود را تا هر جا که بخواهد، روشن می کند. مؤمن در چنین موقعیتی است که ناگهان زنی از مقام بالاتر به او می نگرد و می گوید: ای بنده خدا، تو بر ما تصرف و تملّک نداری؟ مؤمن می گوید: تو کیستی و او می گوید: من از جمله نعمتهایی هستم که خداوند عزّ و جلّ در باره آنها چنین فرموده است:

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۹۳

«هیچ کس نمی داند چه نعمتهایی که باعث روشنی چشم اوست، برایش مهیا شده است. این [نعمتها] پاداش کردار [نیک] آنهاست». و در ادامه، رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: سوگند به آن کسی که جان محمّد به دست قدرت اوست، هر روز هفتاد هزار ملک نزد او (مؤمن) می آیند و او را به نامش و نام پدرش می خوانند.

حدیث سی و هفتم

مالک بن جهنی گفت: امام صادق علیه السّلام فرمود:

ای مالک، آیا راضی نیستید که نماز به پا دارید، زکات دهید، دست [از اذیت و آزار دیگران] باز دارید و به بهشت وارد شوید؟ سپس فرمود: ای مالک، هیچ گروهی در دنیا از امام و پیشوایی پیروی نمی کند مگر اینکه روز قیامت، او پیروان خود را و پیروانش، او را لعنت می کنند، جز شما و کسانی که همچون شما هستند.

ای مالک، هر کدام از شما با عقیده به امر ولایت [ما اهل بیت علیهم السّلام] از دنیا برود، شهید است و همچون کسی است که با شمشیرش در راه خدا جهاد کرده است. مالک گفت: روزی در خدمت آن حضرت نشسته بودم و نزد خود، اندکی از فضایل اهل بیت علیهم السّلام را بازگو می کردم.

در این هنگام

آن حضرت به من فرمود: به خدا سوگند، شما شیعه ما هستید. گمان مکن که در باره امر ما زیاده روی می کنی.

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۹۵

ای مالك، هیچ کس نمی توانـد خـدا را وصف نمایـد، و همان گونه که نمی تواند خدا را وصف کند، نمی تواند رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم را هم وصف کنـد و همان گونه که نمی توانـد رسول خـدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم را وصـف کنـد، نمی توانـد ما را نیز وصف نمایـد و همان گونه که نمی تواند ما را وصف کند، نمی تواند مؤمن را هم وصف نماید. ای مالـك، مؤمن با برادر دینی اش برخورد می کنـد و با او دست می دهـد و خداونـد پیوسـته به آن دو با نظر رحمت می نگرد و گناهانشـان را فرو می ریزد تا زمانی که از یك دیگر جـدا می شونـد. و البته کسانی را که این گونه هسـتند، کسـی نمی تواند [آن گونه که سزاوار آنهاست] وصف نماید و امام ششم علیه السّلام فرمود: پدرم (امام باقر علیه السّلام) فرمود: هرگز کسی که اعتقاد به ولایت ما (آل محمّد علیهم السّلام) داشته باشد، طعمه آتش جهنّم نخواهد شد.

حدیث سی و هشتم

عمر بن ابان کلبی گفت: امام صادق علیه السّلام [در هنگام طواف خانه خدا] به من فرمود:

چقدر سیاهی [لشکر] زیاد است!! گفتم: آری ای پسر رسول خدا.

سپس آن حضـرت فرمود: به خدا سوگند، جز شما (شیعیان) کسی برای خدا حجّ بجا نمی آورد و هر دو نماز (فرائض و نوافل) را بر پا نمی دارد

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۹۷

و پاداش مضاعف به او داده نمی شود. شما دعوت کنندگان به خورشید [رسول خدا]، ماه [امیر المؤمنین] و ستارگان

[سایر ائمه هدی علیهم السّلام] هستید و به راستی، شما اهل دین و دیانتید و گناهان شما آمرزیده می شود و کردار نیکتان پذیرفته می گردد.

حدیث سی و نهم

صبّاح بن سیابه گفت: امام صادق علیه السّلام فرمود:

چه بسا مردی، شما (شیعیان) را دوست می دارد، ولی با مقاله شما آشنا نیست. [عقیده شما را نسبت به اهل بیت علیهم السّلام نمی داند] اما خداوند او را [به خاطر دوستی با شما] به بهشت می برد. و چه بسا مردی، نسبت به شما کینه ورزد و حال آن که مقاله شما را هم نمی داند و خداوند او را [به خاطر این بغضش] به جهنم می برد. و چه بسا مردی، نامه عملش را پر [از خیرات] کند بدون آن که کار خیری انجام داده باشد. صبّاح گفت: عرض کردم: چگونه؟ فرمود: از کنار جماعتی که به ما (آل محمّد) ناسزا می گویند می گذرد، پس هنگامی که او را می بینند، بعضی به بعض دیگر می گویند این مرد از شیعیان آنهاست، [ساکت باشید و سخنی نگویید] و همین که از کنار آنها بگذرد، به او تهمت زده و ناسزا می گویند.

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۹۹

خداوند به همین علّت، حسناتی برای او می نویسد تا اینکه نامه عملش را بدون این که کاری انجام داده باشد [از خیرات] پر می کند.

حدیث چهلم

منصور صیقل گفت: در منی در خیمه امام صادق علیه السّلام نزد آن جناب بودم که حضرت به مردم نگریست و فرمود:

حرام می خورند و حرام می پوشند و به حرام، ازدواج می کنند. و شما (شیعیان) حلال می خورید و حلال می پوشید و به حلال، ازدواج می کنید. نه، به خدا سوگند، جز شما کسی حجّ بجای نمی آورد و از غیر شما، اعمال خیر پذیرفته نمی شود.

حدیث چهل و یکم

عمر بن حنظله گفت: امام صادق علیه السّلام فرمود:

ای عمر بن حنظله، خداوند دنیا را به دوست و دشمنش می دهد، ولی این امر (ولایت ما آل محمّد) را جز به بندگان برگزیده اش نمی دهد.

به خدا سوگند، شما (شیعیان) بر دین من و دین پدرانم، ابراهیم و اسماعیل هستید.

فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ص: ۱۰۱

منظورم حضرت علیّ بن الحسین و امام محمّد باقر علیهم السّلام نیست، اگر چه اینها نیز بر دین آنها بوده اند.

حدیث چهل و دوم

امام صادق علیه السّلام فرمود:

مردی نزد رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم آمد و عرضه داشت: ای رسول خدا، من تو را دوست دارم. پیامبر فرمود: تو مرا دوست داری؟ عرض کرد:

[آری] به خدا سوگند من شما را دوست دارم. رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم به او فرمود: تو [در فردای قیامت] با کسی که دوستش داری خواهی بود.

حدیث چهل و سوم

میسّر گفت: از حضرت رضا علیه السّلام شنیدم که فرمود:

دو نفر از شما (شیعیان) در آتش جهنم دیده نمی شود. نه، به خدا سوگند یک نفر هم دیده نمی شود. میسر گفت: عرض کردم:

این موضوع در کجای قرآن است؟ حضرت برای مدّتی به سؤال من پاسخی نفرمود تا اینکه روزی با آن جناب مشغول طواف بودیم که

فرمود: ای میسر، [اکنون] اجازه دارم به آن سؤالت پاسخ بگویم. عرض کردم: [پاسخ سؤالم] در کجای قرآن است؟ فرمود: در سوره «الرحمن» آنجا که می فرماید: «پس در این روز (قیامت) از گناه انس و جنّ شما سؤال نمی شود» عرض کردم: این آیه در لفظ، «منکم» ندارد. فرمود: اوّل کسی که آن را تغییر داد، «ابن اروی» بود و این حجّتی است بر او و بر یارانش، زیرا اگر «منکم» در آیه نباشد، عقاب خدا از خلقش برداشته می شود و اگر از گناه انس و جنّ سؤال نشود، پس چه کسی در روز قیامت عقوبت می شود؟

حدیث چهل و چهارم

عباس بن یزید گفت: روزی به امام صادق علیه السّلام عرض کردم:

فدایت شوم: معنی قول خدا، آنجا که فرموده: «و چون بنگری، در آنجا نعمتهای فراوان و ملک عظیمی خواهی دید» چیست؟

به من فرمود: هنگامی که خداوند، اهل بهشت را به بهشت وارد کند، فرستاده ای را نزد یکی از اولیایش می فرستد.

آن فرستاده، با نگهبانان در خانه آن ولیّ خدا مواجه می شود که به او می گویند: بایست تا برای ورودت اجازه بگیرم.

پس پیام رسان خدا جز به اجازه ولیّ خدا بر او وارد نمی شود و این است قول خدای تعالی: «و چون بنگری، در

آنجا نعمتهای فراوان و ملک عظیمی خواهی دید».

حدیث چهل و پنجم

امام صادق علیه السّلام فرمود:

هنگامی که روز قیامت فرا رسد، ما در مورد گناهکاران از شیعیانمان شفاعت می کنیم، ولی نیکوکارانشان را خداوند نجات داده است.

ابن بابویه، محمد بن علی - توحیدی، امیر، فضائل الشیعه / ترجمه توحیدی، ۱جلد، انتشارات زراره - تهران، چاپ: سوم، ۱۳۸۰ ش.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹